

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۲۶

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود
سال دوازدهم، شماره ۴۸، زمستان ۱۳۹۷

ارائه الگوی روش‌های اصلاح و تغییر رفتارهای فردی و اجتماعی (بر مبنای فلسفه انتظار)^۱

سید محمد سیدکلان^۲
عباس فنی اصل^۳
توفیق حسن پور^۴
مهرداد رستمی^۵

چکیده

این پژوهش با هدف ارائه الگوی روش‌های اصلاح و تغییر رفتارهای فردی و اجتماعی با رویکرد فلسفی انتظار انجام شده است. براساس این روش، تلاش محققان بر آن بوده است تا با استفاده از روش نمونه‌گیری هدف‌مند متون چاپی (کتاب، مقالات و سایت‌ها) حوزه مهدویت و نیز تعداد ۶ نفر از صاحب‌نظران عرصه مهدویت را به عنوان مشارکت‌کنندگان اصلی پژوهش انتخاب کند. برای همین از دو ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، مرور اسناد و مصاحبه استفاده شد. برای به دست آوردن اعتبار و روایی داده‌ها از بازبینی مشارکت‌کنندگان و مرور متخصصان در پژوهش استفاده شد. داده‌ها به روش تحلیل محتوا بررسی شدند. با بررسی داده‌های به دست آمده در مرحله اول

۱. این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی دکتر عباس فنی اصل با عنوان «ارائه الگوی پارادایمی روش‌های اصلاح و تغییر رفتارهای فردی و اجتماعی» در دانشگاه محقق اردبیلی است.
۲. دانشجوی دکتری رشته مدیریت آموزشی دانشگاه محقق اردبیلی اردبیل.
۳. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه محقق اردبیلی اردبیل (نویسنده مسئول) (a_fanniasl@uma.ac.ir).
۴. عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان اردبیل.
۵. دانشجوی رشته علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان اردبیل.

کدگذاری باز، ۲۸۲ مفهوم به دست آمد. داده‌های مرحله دوم کدگذاری باز، در قالب ۱۱۲ مفهوم و ۱۹ مقوله عمده طبقه‌بندی شدند. در مرحله کدگذاری محوری، ۱۲ مقوله هسته‌ای تعیین شدند. در مرحله کدگذاری انتخابی نیز ۱۲ مقوله هسته‌ای به سطح انتزاعی بالاتر ارتقاء داده شد. در نتیجه، این الگو نشان داد: اصلاح و تغییر رفتارهای فردی و اجتماعی در عصر انتظار، متضمن فهم شرایط علی (معرفتی، عاطفی و رفتاری)، زمینه‌ای و مداخله‌ای است که تحت راه‌بردهایی به نتایج قابل قبول منجر خواهد شد.

واژگان کلیدی:

فلسفه انتظار، اصلاح و تغییر رفتار، رفتار فردی و اجتماعی، نظریه داده بنیاد.

مقدمه

اعتقاد به ظهور منجی و مصلح جهانی یا مهدویت ایده‌ای فراگیر و همگانی بوده است و باید گفت که جامعه آرمانی مهدوی جامعه‌ای آکنده از عدالت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و قضایی است. چراکه عدالت، آزادی، امنیت، آسایش، آرامش و... از کلیدواژه‌های حیات انسانی و از آرزوهای آغازین حیات اجتماعی بشر بوده و هست. (صمدی، ۱۳۸۵: ۴۷-۵۶) بنابراین پیش‌فرض‌ها و الزامات جامعه مهدوی و اقتضائات آن، می‌توان گفت هر مکتب بر پایه برداشتی که از ماهیت و طبیعت انسان دارد نسبت به تعلیم و تربیت او نظری ویژه دارد. در اسلام نیز، انسان موجودی است دو گرایشی که از یک سو، رو به اعلی‌ترین درجه فطرت و هوای نفسانی است. از این رو، تربیت و هدایت انسان از دیدگاه اسلام را می‌توان شکوفا و بارور کردن فطریات و کنترل غرایز دانست. (ابراهیمی دهشیری، ۱۳۹۰: ۵۶) با این برداشت ذهنی، یکی از مهم‌ترین ابعاد وجودی بشر، رفتار و کردار اوست. با شناخت این بعد می‌توان هویت درونی انسان‌ها را استنباط و معرفتی ولو نسبی حاصل کرد. در اسلام این بعد از ابعاد بشر، بسیار جدی تلقی می‌شود و اساساً اسلام، انسان‌ها را در مقابل رفتار و اعمال‌شان مسئول می‌داند. (حسینی خواه و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۵) اما این که اصلاح و تغییر رفتار انسان همواره مورد بحث و مناقشه اکثر مکتب‌هاست، در این شکی نیست. برای همین، در این جا اشاره کوتاهی به این مکتب‌ها در خصوص نظریه‌های مکتب‌های مختلف در این خصوص خواهیم پرداخت.

تغییر و اصلاح رفتار حوزه‌ای است در علم روان‌شناسی که به تحلیل و تغییر رفتار آدمی



می‌پردازد. (مارتین و پیر، ۲۰۱۵)^۱ هدف، تغییر افراط یا نارسایی در رفتار و بازگرداندن آنها به حالت اعتدال و بهنجار است. با توجه به اهمیت مطلب و تأثیر آن در زندگی تمام افراد جوامع شیوه‌های تغییر و اصلاح رفتار در ایجاد رفتارهای جدید، افزایش یا تداوم سطح رفتارهای مطلوب و کاهش بروز رفتارهای نامطلوب نقش اساسی دارد. (میلتن برگر، ۱۳۹۳) راه‌بردهای تغییر و اصلاح رفتار امروزه یکی از مسائل مهم تربیت نیز به شمار می‌رود. چرا که همواره توجه روان‌شناسان و صاحب‌نظران تعلیم و تربیت را به خود جلب نموده است و هر یک با توجه به مبانی نظری متفاوت خود راهبردهای مختلفی در این زمینه ارائه نموده‌اند. (احدی، ۱۳۹۰) اگر بخواهیم تاریخچه این مبحث را از لحاظ تأکیدی که بر تغییر رفتار و اصلاح می‌گذارد، بررسی کنیم، می‌توان گفت که این مباحث به قدمت پیدایش تمدن بشر است و اولین تلاش‌هایی که انسان‌ها برای هدایت افراد هم‌نوع خود و بهبود رفتار آنان انجام داده‌اند، نقطه آغازین اصلاح و تغییر رفتار است. اما به لحاظ علمی می‌توان گفت که رفتار درمانی به دنبال مکتب روان‌شناسی رفتارگرا بوجود آمده است و در واقع اصول و قوانین این مکتب روان‌شناسی کاربرد درمانی دارد. بر این اساس در تاریخچه مکتب رفتار درمانی دو دیدگاه عمده شرطی‌کردن فعال و شرطی کلاسیک پایه و اساس رفتار درمانی است. دیدگاه کلاسیک‌ها بیشتر بر یادگیری‌های عاطفی تأکید دارد. افرادی چون ولپه، گلدشتاین، لازاروس و سالتراز جمله کسانی هستند که در تغییر و اصلاح رفتار بیشتر از اصول شرطی‌کردن کلاسیک استفاده کرده‌اند. از سوی دیگر کاربرد شرطی‌کردن فعال در روان‌درمانی را تغییر رفتار می‌نامند که افرادی نظیر بندورا، لیندزلی و رابرت میگر از جمله کسانی هستند که از اصول شرطی‌کردن فعال برای تغییر رفتار استفاده کرده‌اند. (هرسن و همکاران، ۲۰۱۶)^۲ با وجود این، غرض از تعلیم و تربیت تکامل شخصیت آدمی و اصلاح رفتار اوست و در دین مبین اسلام، توجه به ارزش‌ها در زندگی دنیوی و اخروی انسان هر دو با هم مدنظر بوده و از هیچ یک غفلت نگردیده، تا بدین وسیله سعادت زندگی وی را در هر دو زمینه جسمانی و روحانی را تضمین کند. (گلستانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۷۵)

سواى اهميت رفتار فردى در تبیین شخصیت انسان، باید گفت که یکی از مسائل مطرح در حوزه «تربیت»، آرمان «تربیت اجتماعی» نیز بوده است که شاید بزرگ‌ترین و مهم‌ترین رکن آن، «بعد رفتاری» آن است و آن‌چه از آیات قرآن کریم برمی‌آید این است که اجتماعی بودن

1. Martin, G & Pear, J. J
2. Hersen & et al

انسان در متن خلقت و آفرینش او پی‌ریزی شده است. هر چند ضرورت‌های زندگی انسان و تأمین نیازهای او از طریق اجتماع و نقش آن بر سلامت جامعه را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. از دیدگاه قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام، اگر تربیت اجتماعی در مسیر مطلوب خود قرار نگیرد، به جای آن که انسان را به کمال و سعادت برساند، باعث آسیب رساندن به خود فرد و جامعه می‌شود. (کاوند و حاج قاسمی، ۱۳۹۵: ۲۴) چرا که روابط انسان با جهان پیرامون در چهار زمینه اصلی قابل ابراز است که علاوه بر ارتباط انسان با خود، ارتباط با خدا، ارتباط با جامعه/ اجتماع، ارتباط با طبیعت نیز در رسیدن انسان به حیات طیبه نقش اساسی دارند که در جهت تغییر و اصلاح رفتار باب تربیتی دارند که لازمه آن تربیت انسان در خانواده و به‌ویژه مدرسه را طلب می‌کند.

دو دیدگاه نظریه یادگیری اجتماعی و یا یادگیری‌های مبتنی بر مشاهده نیز، بخش مهم دیگری را در سابقه رفتار درمانی اشغال کرده‌اند. در این دیدگاه تقلید یا الگوسازی بخش عمده‌ای از رشد و تکوین شخصیت دانسته شده است و تعدادی از تکنیک‌های رفتار درمانی بر اصول این نوع یادگیری استوارند. از سوی دیگر چون رفتار درمانی کاربرد نظریات روان‌شناسی یادگیری است، در درمان علاوه بر سه رشته فکری فوق از دیگر نظریات متعدد یادگیری نظیر تئوری هال، تولمن و... نیز در درمان تأثیر پذیرفته است. (اولسون و هرگنهان، ۱۳۹۶) با وجود این، در عصر ما رویکردهای مختلفی به تربیت دینی بوجود آمده است، که از مبانی فکری مختلف نشأت گرفته است. علاوه بر این ادعا، موضوعات دینی، امروزه مورد بحث اکثر روان‌شناسان و هم‌چنین جامعه‌شناسان پیشگام غربی همچون ویلیام جیمز،^۱ فروید،^۲ یونگ^۳ و دیگران بوده و هست. پس از آن نیز، اندیشمندانی نظیر آلپورت^۴ به تبیین دین و مذهب پرداخته‌اند. (مداحی و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۳) اما، در حال حاضر دین و رویکردهای جامع نسبت به آن توانسته است سبک زندگی افراد را خواه و ناخواه تحت الشعاع قرار دهد؛ چراکه، تحلیل سبک زندگی افراد جامعه از مبانی فکری مکتب‌های دینی نیز نشأت گرفته است. اما این که چطور و چگونه می‌توان در تغییر و اصلاح رفتار انسان‌ها (به عبارت کلی سبک زندگی) موفق گردید، سئوالی است که این مقاله تحت یک الگوی پارادایمی در قالب پژوهش کیفی از نوع نظریه داده بنیاد به دنبال آن است. برای رسیدن به این هدف، ابتدا محقق به بررسی

1. William James
2. Freud
3. Yung
4. Allport

پژوهش‌های گذشته پرداخته است تا چشم‌اندازها و الگوهای فکری و ترسیمی قرآن کریم و احادیث اسلامی و نیز محققان قبلی را بر مبنای نظریه داده بنیاد مورد بررسی قرار دهد.

اهمیت و ضرورت پژوهش

وقتی از علم رفتارشناسی به بحث مهدویت در قالب فلسفه انتظار نگاه بکنیم رفتار فردی و اجتماعی انسان و چگونگی شکل‌گیری، تغییر و اصلاح آن مورد توجه جدی قرار خواهد گرفت چرا که در این حوزه دانشمندان و صاحب‌نظران علوم مختلف از جمله علم اخلاق، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی بیشترین سخن‌ها را به میان آورده‌اند.

دانشمندان علم اخلاق رفتارهای انسان را به طور کلی به دو دسته «رفتارهای برون-شخصی» و «رفتارهای درون‌شخصی» تقسیم می‌کنند. «رفتار برون‌شخصی» نیز خود به سه دسته رابطه انسان با خدا، رابطه انسان با هم‌نوعان و رابطه انسان با طبیعت تقسیم می‌شود. اصلاح رفتار خود در تمامی حوزه‌ها از اهمیت به‌سزایی برخوردار است و روایات متعددی این مهم را گوشزد می‌کند و تمسک به دین و پایبندی به احکام شریعت را - که متضمن اصلاح رفتار انسان در تمامی حوزه‌هاست - به عنوان مهم‌ترین اقدام منتظران و زمینه‌سازان ظهور می‌داند. (سبحانی‌نیا، ۱۳۸۸: ۲۴-۲۵) بنابراین، تغییر و اصلاح رفتارهای فردی و اجتماعی انسان همچنان از دغدغه‌ها و چالش‌های حوزه تعلیم و تربیت در عصر حاضر می‌باشد و در زمان غیبت با توجه به فلسفه انتظار به نظر می‌رسد این سازه مفهومی دارای اهمیت بیشتری برای اشخاص با باورها و اعتقادات مذهبی و تربیت دینی باشد. در راستای این باورهاست که مریبان بشریت به فراهم آوردن زمینه‌ها و عوامل شکوفاسازی شخص در جهت رشد و تکامل اختیاری او به سوی هدف‌های مطلوب که همان تحقق حیات طیبه در سایه فلسفه انتظار است، می‌اندیشد.

چارچوب مفهومی

تعریف مفاهیم

الگوواره یا پارادایم

سرمشق و الگوی مسلط و چهارچوب فکری و فرهنگی است که مجموعه‌ای از الگوها و نظریه‌ها را برای یک گروه یا یک جامعه شکل داده‌اند. هر گروه یا جامعه، «واقعیات» پیرامون خود را در چارچوب الگوواره‌ای که به آن عادت کرده تحلیل و

توصیف می‌کند. پارادایم از جدیدترین مفاهیمی است که وارد حوزه فلسفه علم جامعه‌شناسی شده است. (مسترمن، ۱۹۷۰^۱) منظور از پارادایم در این نوشتار آن‌چه که در مورد چگونگی ساختارمند کردن و تفسیر نتایج تحقیقات علمی قبلی در قالب یک الگوواره منسجم مورد مشاهده و موشکافی قرار گرفته است، می‌باشد. بنابراین محققان برای رسیدن به یک تئوری منسجم در خصوص چگونگی تغییر و اصلاح رفتار انسان‌ها برای دوران انتظار به‌ویژه در دوران کودکی، نوجوانی و جوانی به دنبال الگوواره منسجم که برآمده از پژوهش مبتنی بر نظریه داده بنیاد باشد، بوده‌اند.

مفهوم تعلیم و تربیت

به لحاظ پیچیدگی مفهومی هر یک از نظریه پردازان و مکاتب بسته به نوع نگرش و اصولی که به آنها پایبند هستند، تعریفی خاص از تعلیم و تربیت ارائه کرده‌اند و به جنبه خاصی از آموزش و پرورش و به روش خاصی عنایت دارند؛ که در این جا تعلیم و تربیت، عبارت است از فراهم آوردن زمینه‌ها و عوامل به فعلیت رساندن یا شکوفا ساختن شخص در جهت رشد و تکامل اختیاری او به سوی هدف‌های مطلوب و براساس برنامه‌ای سنجیده شده. (فلسفه تعلیم و تربیت، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ج ۱، ۳۴۱-۳۶۶)

تغییر و اصلاح رفتار

تغییر و اصلاح رفتار حوزه‌ای از روان‌شناسی است که به تحلیل و تغییر رفتار آدمی می‌پردازد (مارتین و پیر، ۲۰۱۵^۲) که مکاتب زیادی در این خصوص ارائه طریق نموده‌اند که مکتب اسلام سال‌ها پیش از مکاتب فکری دنیای بشری در این خصوص حجت را بر انسان‌ها تمام نموده است. در تفکیک تغییر و اصلاح رفتار باید گفت که منظور از تغییر، دگرگون کردن رفتار نامطلوب و مقصود از اصلاح تغییر در جهت مثبت است. از این رو، هر اصلاحی مستلزم تغییر است، اما هر تغییری منجر به اصلاح نمی‌گردد. (ابراهیمی دهشیری، ۱۳۹۰: ۵۲)

مفهوم تغییر

ارائه تبیینی کامل از مفهوم تغییر، نیازمند پژوهشی دیگر است؛ زیرا میان معانی تغییر، تحول و انقلاب و برخی واژه‌های دیگر تا اندازه‌ای اشتراك معنایی وجود دارد و خود تغییر هم از جنبه‌های متعدد قابل تقسیم است. (سبحانی‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۷)

1. Masterman
2. Martin, G., & Pear, J. J

تغییر رفتار فردی

به یقین، هر یک از ما در طول زندگی، با تغییر و تحول خود یا دیگران روبه‌رو شده‌ایم یا خواهیم شد. تحول درونی افراد گاهی سرنوشت آنها را تغییر می‌دهد و فرد را از گمراهی، به نور هدایت رهنمون می‌سازد یا خدای ناکرده، از مسیر هدایت و نورانیت به گمراهی می‌کشاند. (سبحانی‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۸)

تغییر رفتار اجتماعی

کنش، رفتاری است که با معنا باشد. در بیان کلی می‌توان «کنش اجتماعی» را تمامی انواع حالات فکر، احساس و عمل قلمداد کرد که سمت و سوی آنها، با تکیه بر الگوهای جمعی (الگوهای مشترک بین اعضای یک اجتماع) تعیین می‌شود. (صدیق سروستانی، ۱۳۸۸: ۲۲-۲۷) رفتار اجتماعی یعنی هر رفتار که متضمن کنش متقابل دو یا چند انسان باشد. در بعد اجتماعی تغییر و تحول در دست خداست، با این شرط که مقدمات و لوازم آن، هم‌چنان در دست افراد اجتماع است. در حقیقت، افراد یک جامعه و یک ملت می‌توانند با ایجاد تغییر و تحول شخصی در خود، زمینه تغییر و تحول اجتماعی را نیز فراهم آورند تا این که خداوند آن تغییر و تحول را در جامعه محقق سازد. (سبحانی‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۸)

تنظیم رفتار

تنظیم رفتار، فرایندی است که ما را به بررسی و بازنگری رفتارهای مان در جنبه‌های مختلف فردی و اجتماعی فرا می‌خواند؛ از دیدگاه روان‌شناسان تنظیم رفتار عبارت است از: فرایندها و فعالیت‌های نظام‌مند در جهت رشد و ایجاد رفتارهای بهنجار و سازگارانه و پیش‌گیری از رفتارهای نابهنجار و اصلاح آنها. (شجاعی، ۱۳۸۸: ۲۳-۲۴)

فلسفه انتظار

انتظار فرج در واقع، انتظار حکومت جهانی اسلام است، انتظار تشکیل حکومت توحیدی در سطح جامعه انسانی است، انتظار تحقق عدالت در اجتماع است، انتظار وراثت زمین و دولت مؤمنان و موحدان است. بنابراین «انتظار» به معنای «نشستن و دعا کردن» نیست؛ بلکه «برخاستن و دعا کردن» است. (سایت پرسمان دانشجویی اخلاق، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه) این جا باید به تبیین فلسفه انتظار تحت چیستی، چرایی و چگونگی آن پرداخت؛ یعنی سؤال از این که «چیستی انتظار؟»، «چرا باید منتظر بود؟» و این که «چگونه باید منتظر بود؟». برای بحث درباره چیستی انتظار، بازشناسی مفهوم غیبت، ماهیت و چیستی

ظهور، که از ضروریات فلسفه انتظار است باید گفت اعتقاد به غیبت امام از واجبات اعتقاد به مهدویت است، اما به شرط آن که این اعتقاد، صحیح و اصولی باشد نه این که مفهوم رها شدگی انسان و پیوند نداشتن با حجت الهی را به او القا کند. اعتقاد صحیح به غیبت می تواند در انسان، انرژی، تحرک و عشق و شوق ارتباط با امام غائب را ایجاد نماید. هم چنین در خصوص چرایی انتظار باید گفت منتظر بودن، این آثار و برکات را برای ما به همراه دارد؛ اما بحث از چگونگی (نحوه انتظار و وظیفه ما) از طرفی متفرع بر فلسفه مهدویت است؛ زیرا برای معلوم شدن چگونگی انتظار ابتدا باید متعلق آن معلوم شود. روشن است که انتظار حمله دشمن را داشتن چگونگی ای غیر از انتظار ورود میهمان داشتن را اقتضا می کند. این جا پس از شناخت ضرورت و فلسفه قیام موعود جهانی است که می توان به این پرداخت که این قیام چگونه تحولی در تاریخ و جامعه بشری است و چگونه انتظاری را از ما می طلبد. از طرف دیگر، زمانی می توان سخن از آثار و نتایج این انتظار به میان آورد که چگونگی این انتظار معلوم شده باشد تا بگوییم چنین انتظاری چنان ثمره ای خواهد داشت. (موعود، ۱: ۱۳۸۴: ۵۴)

مفهوم انتظار و چیستی آن

انتظار به معنای چشم به راه بودن، چشم داشت گشایش (موسوی، ۱۳۹۶: ۲۳۰) و در انتظار ظهور و برپایی روز موعود در هر زمان و هر روز بودن است؛ چرا که اراده الهی بر آن است که امر ظهور تحت شرایطی که خداوند تعیین فرموده است صورت گیرد. در تعاریف مفاهیم و آنچه که در این مبحث گنجانده شده است جا دارد بحث انتظار را که یک بحثی جامع و مانع وصف تعریف است و نه وصف موضوع بحث، با تفحص و مطالعه بیشتر در این جا بیشتر تشریح بنماییم؛ چرا که حقیقت انتظار، یک هدیه ای الهی است که برای ما انسان ها به ودیعه گذاشته شده است و انتظار است که به ما می گوید امام در حین این که حضور دارد؛ در غیبت به سر می برد. چنان چه ما به این شناخت رسیده باشیم آن گاه افق های انتظار به روی انسان گشوده خواهد شد. علی علیه السلام می فرمایند:

هرکس در مصدر تربیت قرار می گیرد قبل از پرداختن به تربیت دیگران ابتدا باید به تربیت خود بپردازد.

و همه ما بارها شنیده ایم پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و دیگر انبیاء الهی ابتدا به تربیت خویش پرداختند بعد به تربیت امت خویش رسیدند.

۱. رجوع شود به مقاله مهدویت و انتظار در اندیشه شهید مطهری.

رسول اکرم ﷺ می‌فرمایند:

مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً؛

هرکس امام زمانش را نشناسد و بمیرد گویی در عصر جاهلیت مرده است (ری شهری،

۱۳۸۹ ش: ج ۱، ۱۷۷).

منابع الهام‌بخش تربیت در عصر انتظار

حالا بحث بر سر این است روش تربیتی ما چگونه باید باشد تا به اهداف مورد نظر (تربیت نسل منتظر در سایه تغییر و اصلاح رفتار) برسیم. قبل از بحث در این مقوله لازم است اشاره‌ای داشته باشیم به تربیت که ابعاد گسترده‌ای دارد و دارای منابع الهام‌بخش از کلام حق و ائمه معصومین علیهم‌السلام که تحت اصولی قابل تفسیر و توضیح است. اولین و مهم‌ترین منبع الهام‌بخش که برای امر تربیت لازم بوده و شوخی‌بردار نیست، فضا سازی برای تربیت است و برنامه‌ای منظم و هماهنگ را می‌طلبد که همه ما را از جمله خانواده، مدرسه و اجتماع را درگیر خود می‌کند. با توجه به فضای مسمومی که ما در خانواده‌ها، مدارس و مهم‌ترین که در جامعه داریم نیاز به بازسازی این فضاها به شدت احساس می‌گردد.

دومین منبع الهام‌بخشی که بایستی بدان واقف باشیم مسئله گوشزد کردن اهمیت غیبت و محنت آن برای متریبان (تحریک اندیشه و پرورش نیروی عقلانی) است. هنگامی که ما جایگاه اعتقاد به ولایت و معرفت امام زمان عجله الله تعالی فرجه الشريف را در صحنه تفکر دینی دانستیم، لازم است تا اهمیت ویژه‌ای به معرفتی عاطفی و عملی در تربیت خویش و دیگران داشته باشیم؛ یعنی با فراهم‌سازی زمینه‌های معرفتی اسلام، آنان را با اصول ولایت آل محمد علیهم‌السلام و منطق انتظار شیعه آشنا سازیم.

سومین منبع الهام‌بخش که در خانواده و مدارس و جامعه باید بدان پرداخته شود انتقال این معارف و بحث مهدویت است که بایستی مرتباً با عواطف و تلطیف روح و روان متریبان تذکر و یادآوری شود که این خود یک بحث کلان و در خور توجه و پژوهش است. آخرین منبع الهام‌بخش که در مدارس و مکان‌های تربیتی بایستی بدان پرداخت، ساختن شرایط ویژه برای امر تربیت نسل منتظر است که متولیان تربیتی با پیشتازی در عمل (رفتار) باید در برنامه‌های خود قرار دهند؛ مثل برگزاری باشکوه اعیاد نیمه شعبان، عید ولایت و... در حدی که این مسئله کاملاً جا بیافتد. در نهایت لازم است بدانیم که نباید همه بار روی دوش معلمان گذاشته شود بلکه این مسئله عزمی است بسیار جدی و فراگیر که همه منتظران دست به دست هم باید این انتظار را به سرمنزل حقانیت مولای مان امام زمان عجله الله تعالی فرجه الشريف

برسانند.^۱ با عمل به این منابع الهام بخش از طریق راه‌بردهای تربیتی، پیامدهای مثبتی از جهت تغییر و اصلاح رفتار به جا خواهد گذاشت. علی‌رغم این که، شرایط مداخله‌گر بسیاری می‌تواند این راه‌بردها را دچار مشکل بنماید.

رفتار فردی و برآیند آن در رفتار اجتماعی

رفتار، تعیین‌کننده سرنوشت انسان است. خداوند متعال، بشر را آفرید و او را خلیفه خود در زمین قرار داد تا ببیند که او چگونه عمل می‌کند. (شجاعی، ۱۳۸۸) این جاست که مسئله «رفتار» و چگونگی آن در ابعاد فردی و اجتماعی، اهمیت می‌یابد. خداوند در سوره کهف با انداز و تبشیر انسان‌ها را به عمل صالح و اعتقاد به حق دعوت می‌کند؛ هم‌چنان که از دو آیه اولش هم بوی این معنا استشمام می‌شود و هم چنین آیه آخر سوره که می‌فرماید:

﴿فَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ (کهف: ۱۱۰)؛
پس هرکس به لقای پروردگار خود امید دارد باید به کار شایسته بپردازد و هیچ‌کس را در پرستش پروردگارش شریک نسازد.

از این آیه می‌توان فهمید، امید در انسان باید به صورت یک حالت دائمی و پیوسته باشد و این امید بدون عمل کارساز نیست و شرک به هر نحوی باشد ممنوع است. هم‌چنین آیات ۲۸، ۲۹، ۳۴ و ۴۴ سوره‌ی کهف نیز تنگ‌دستی مؤمنان، برتری جویی و غرور ثروتمندان را متذکر می‌گردد. بسیاری از دنیاپرستان خود را مالک حقیقی مال و ثروتش می‌دانند و به کلی فراموش کرده‌اند که تمامی دارایی‌شان از آن خداست و برای امتحان به وی داده شده است. انسان‌های کم‌ظرفیت، هنگامی که به جایی رسیدند و برتری مختصری از نظر مقام و ثروت بر دیگران یافتند، غالباً گرفتار بلای غرور در اجتماع می‌شوند و امکانات خود را به رخ تنگ‌دستان می‌کشند و آن را وسیله‌ی برتری جویی قرار می‌دهند. از این آیات چنین مستفاد می‌شود که برتری جویی و غرور ثروتمندان تضاد روشنی با رستاخیز دارد و گمان‌شان با شرک فاصله‌ای ندارد و در آخرت به دوزخ کشیده خواهند شد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸) با این توضیح باید گفت که چگونگی ارتباطات اجتماعی و ارتباطات بین فردی (فرد با فرد) در این دنیا برای حفظ مصالح بشری باید متعادل گردد و هیچ برتری جویی و فخرفروشی در اجتماعات انسانی صورت نگیرد؛ اگر چنین نباشد بسیاری از مفاسد اجتماعی گریبان‌گیر آن اجتماع خواهد

۱. با تلخیص و استنباط از کتاب روش‌های تربیتی در داستان‌های قرآنی، تألیف: حمید محمد قاسمی، ۱۳۸۵.

گردید. باید گفت که ارتباطات اجتماعی و بین فردی در ارتباطات خانوادگی افراد، همسایگی و محیط کار بیشترین حالت ممکن را دارا می‌باشد و فخر فروشی و غرور در چنین مناسباتی، اجتماعات انسانی را روز به روز از اصول اخلاقی اسلام دور خواهد نمود.

مطابق آیه ۸۲ سوره کهف، درست‌کاری انسان گاهی در وارثان انسان اثر نیک می‌گذارد و سبب سعادت و خیر برای آنها می‌گردد. بدین لحاظ اگر بتوانیم در اجتماعات عملکرد درستی از خویش نشان دهیم و این اعمال ما طبق آیه ۴۶ سوره کهف باقیات صالحاتی باشد برای آخرت ما، که اجتماعات انسانی را برای نسل‌های آینده مأمّن ساخته‌ایم و گرنه رضایت خاطری هم برای خویش و هم برای سلامت اجتماع نخواهیم گذاشت.

علاوه بر این مصداق‌ها، مصادیق فراوانی در قرآن کریم؛ احترام به عقاید و مقدسات دیگران (انعام: ۱۰۸)، احسان به دیگران (بقره: ۱۹۵؛ آل عمران: ۱۳۴)، رعایت انصاف در برخورد با مردم (آل عمران: ۷۵)، نرمی در گفتار و سخن گفتن (لقمان: ۱۹؛ حجرات: ۲-۳)، سلام کردن (نساء: ۸۶)، تعاون بر نیکی‌ها (مائده: ۲)، تواضع و فروتنی و پرهیز از تکبر (مائده: ۵۴؛ اسراء: ۳۷؛ لقمان: ۱۸-۱۹)، خوش خلقی و خوشرویی (آل عمران: ۱۵۹)، سخن نیک و رفتار نیکو داشتن (بقره: ۸۳؛ نساء: ۵ و ۸)، صداقت در گفتار و اعمال (توبه: ۱۱۹)، مهربانی در گفتار و رفتار (آل عمران: ۱۵۹؛ فتح: ۲۹؛ حدید: ۲۷)، وفای به عهد در روابط (بقره: ۱۰۰ و ۱۲۷؛ اسراء: ۳۲) و وفای به وعده (مریم: ۵۴ و ...) و نهج‌البلاغه (خطبه ۴۳: مبنی بر پرهیز از پیروی هوا و هوس و داشتن آرزوهای بلند؛ خطبه ۸۱: توجه به زهد و پارسایی؛ خطبه ۱۱۴: تقوای الهی و ...؛ خطبه ۲۴: کمک به مستمندان؛ خطبه ۸۴: پرهیز از دروغ؛ خطبه ۲۳: پرهیز از خیانت در امانت؛ خطبه ۱۲۳: پرهیز از بددلی نسبت به بردار دینی خود و ...) در این زمینه وجود دارد که هر کدام از منظری دیگر قابل بررسی و پژوهش هستند که در این جا قابل بحث نمی‌باشند.

پیشینه پژوهش

در خصوص اصلاح و تغییر رفتار در حوزه انتظار و مهدویت با این این که مقالاتی به طور مستقیم به رشته تحریر در نیامده است اما، باید گفت در جهت ویژگی‌های منتظران، فلسفه انتظار، حکومت مهدوی، مباحث قرآنی و احادیث و ... در این زمینه بسیار محققان این حوزه مقالات و کتاب‌هایی را نگاشته‌اند. در این خصوص یعنی تغییر رفتارهای فردی و اجتماعی چندین پژوهش می‌تواند راهنما و کارگشای بحث در ارائه الگوی پارادایمی کمک‌کننده باشد که در ذیل به آنها اشاره می‌گردد:

براون، اسمیت، اپتون و آرمیتاژ (۲۰۱۷)^۱ در پژوهشی فراتحلیل به بررسی رفتارهای خودجوش این که چگونه تغییر می‌یابند پرداخته است. آنها اذعان داشته‌اند تشویق افراد به خودانگیزی در تغییر رفتار خویش پس از موفقیت در رفتار خود علی‌رغم پیچیدگی رفتار، بهترین روش یا تکنیک تغییر رفتار بوده است. این که خودانگیزی به عنوان یک عامل مؤثر برای مداخلات تغییر رفتار است، اما باید با دیگر تکنیک‌ها همراه و پشتیبانی گردد تا به مرحله رفتار خودجوش برسد. در پژوهش دیگری توسط موسوی گیلانی (۱۳۹۲) سبک زندگی افراد را متأثر از عوامل متفاوتی از باورداشت‌های افراد نسبت به آموزه‌های دینی است که به نظریه اعتقاد به امامت و مهدویت، به ویژه در زمان غیبت جهت‌گیری‌های اعتقادی افراد را در سبک زندگی متبادر می‌سازد که بر سبک زندگی شیعیان در عصر غیبت بیشتر معنا می‌بخشد.

موسوی (۱۳۹۶) در بررسی فلسفه انتظار فرج با تأکید بر افضل اعمال بودن آن؛ ایشان وظایف منتظران و ویژگی‌های آنان را براساس روایات مورد تفسیر قرار داده است و بر همین اساس ویژگی‌هایی چون ثبات قدم و اعتقاد راسخ بر ولایت، برتری در ایمان، نقش هدایت‌گری منتظران، برخورداری از عقل و فهم و معرفت و نیز وظایفی چون یاد پیوسته امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، صبر و ثبات قدم بر ولایت ائمه علیهم السلام، عمل به وظایف، انتظار فرج و عدم یأس، دعا برای فرج را بیان کرده است.

سیدکلان و رضائی شریف (۱۳۹۵) در پژوهشی در جهت تغییر رفتار دانش‌آموزان اثر کارگاه‌های مهدویت را تریبخش دانسته است و براساس نتایج پژوهش، اذعان داشته‌اند که آموزش سبک زندگی مهدوی می‌تواند باعث افزایش به‌زیستی روان‌شناختی و معنوی دانش‌آموزان گردد.

داوری، صدیق‌تورعی و عبدخدایی (۱۳۹۳) در بررسی «مکانیزم‌های نظارت خداوند بر رفتار انسان» و اثر آن بر «تنظیم رفتار اجتماعی» از دیدگاه قرآن کریم اذعان کرده‌اند: نظارت خداوند بر رفتار انسان به سه شکل نظارت مستقیم خداوند، نظارت مأموران الهی و ثبت و ضبط شدن کنش‌های انسان و آشکار شدن آنها در قیامت انجام می‌گیرد؛ و هم‌چنین آگاهی از این مکانیزم‌ها و باور به آنها، سبب تنظیم رفتار انسان می‌شود و نابه‌هنجاری‌ها را کنترل می‌کند.

جعفرزاده کوچکی و امامی غفاری (۱۳۹۴) در مقاله‌ای به تبیین قلب‌های هدایت‌پذیر و هدایت‌ناپذیر از دیدگاه قرآن (با تأکید بر نقش مدیران در هدایت و اصلاح رفتار کارکنان در سازمان‌ها) پرداخته‌اند. آنها پس از جست‌وجو در آیات الهی، دریافته‌اند که انواع قلب‌های

1. Brown, Smith, Epton & Armitage

هدایت‌پذیر و هدایت‌ناپذیر در شکل‌ها و نام‌های مختلف و با ویژگی‌های گوناگون در قرآن هست که هر یک منشا رفتار فردی و اجتماعی خاصی است که ضروری است مدیران با در نظر گرفتن ریشه‌ای رفتار کارکنان از این دیدگاه نیز غفلت نورزند.

ابراهیمی دهشیری (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای اصول تغییر و اصلاح رفتار در سیره معصومان علیهم‌السلام را مورد بررسی و تحلیل قرار داده است. در این بررسی، اصولی کلی استنباط و استخراج شده است که عبارتند از: اصل حفظ کرامت و ارزشمندی انسان، اصل اقتضایی رفتار کردن، اصل تقدم استفاده از روش‌های سهل‌گیرانه بر روش‌های سخت‌گیرانه و تنبیهی، و اصل تقدم استفاده از روش‌های غیر مستقیم و کرداری بر روش‌های مستقیم و گفتاری. در نتیجه سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام نشان می‌دهد آن بزرگواران تنها به تغییر رفتار توجه نداشته، بلکه در صد اصلاح رفتار نیز بوده‌اند.

در پژوهشی دیگر سبحانی‌نیا (۱۳۸۸) در تبیین نظریه «تغییر» و تأثیر آن در زمینه‌سازی ظهور بیان کرده است که تحقق تغییر در امت‌ها به دست خداوند خواهد بود، اما لوازم و مقدمات آن به دست بشر و تحت اختیار اوست. آن‌گاه اثبات می‌کند لوازم و مقدماتی که در اختیار بشر بوده و زمینه‌ساز تحقق تغییر - که همان ظهور منجی است - عبارت است از «ایمان یا اعتقاد به مهدی عجل‌الله‌تعالی‌و‌ترجم‌الکرمین» و دیگری «عمل و رفتار مطابق و سازگار با این اعتقاد». هم‌چنین اصلاح رفتار شخصی و پیروی از اصول ارزش‌های اخلاقی و عدالت محوری در رفتار را به عنوان نخستین اقدام عملی و رفتار زمینه‌ساز فرد در راستای تحقق تغییر و ظهور منجی آخرالزمان معرفی می‌کند.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کیفی است که با استفاده از روش نظریه‌مبنایی یا نظریه‌برخاسته از داده‌ها،^۱ به جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها می‌پردازد. نظریه‌پردازی داده‌بنیاد نوعی روش پژوهش کیفی است که به دنبال ایجاد یک نظریه، مدل و الگوست (شارماز، ۲۰۰۷: ۴۶۲) روش نظریه‌داده بنیاد دست‌یابی به نظریه‌ای برآمده از تجزیه و تحلیل داده‌هاست، داده‌هایی که به خصوصیات واقعی موضوع تحقیق مربوط می‌شوند و به همین دلیل، در این تحقیق ابتدا به نظریه‌ها و مطالعات انجام شده مراجعه شد، سپس از طریق مصاحبه عمیق،

1. Grounded Theory
2. Charmaz

فعال و اکتشافی با ۶ نفر از مطلعان در این حوزه جهت ساختارمند نمودن ابعاد درونی محتوای به دست آمده، مدل پارادایمی ترسیم گردید. طبیعی است که این کار همان طور که گلاسر^۱ (۱۹۷۸) از مبدعان این نظریه تأکید کرده است، به حساسیت نظری^۲ لازم برای فهم محتوای کلامی [و رفتاری] نیاز دارد تا مفاهیم و مقولات مرتبط با موضوع استحصال و روابط آن‌ها بررسی شود. طرز اندیشیدن مفهوم سازانه یکی از لوازم اصلی کار در نظریه برخاسته از داده‌هاست. منتهی در این پژوهش، محققان ابتدا براساس متن دینی نسبت به ارائه الگو پرداخته است و جهت تحکیم الگو از نظرات مطلعان کلیدی با استفاده از مصاحبه عمیق بهره برده است.

ابزار و نمونه

در پژوهش حاضر از ابزار مصاحبه اکتشافی و نیمه ساختار یافته، یادداشت برداری و مرور اسناد دینی (مقالات و کتاب‌ها و سایت‌ها) استفاده شده است. نمونه‌گیری در این پژوهش به صورت هدف‌مند که از روش‌های نمونه برداری غیراحتمالی استفاده شده است. مفهوم نمونه‌گیری هدفمند که در پژوهش‌های کیفی به کار می‌رود، بدین معناست که پژوهشگر افراد و مکان مطالعه را از این رو برای مطالعه انتخاب می‌کند که می‌توانند در فهم مسئله پژوهش و پدیده محوری مطالعه مؤثر باشند و در راستای گردآوری داده‌های مناسب از روش نمونه‌گیری نظری استفاده گردید. نمونه‌گیری نظری فرایند گردآوری داده‌ها برای تولید نظریه است که به وسیله تحلیل‌گر به طور هم‌زمان داده‌های خود را گردآوری، گدگذاری و تحلیل کرده و در مورد داده‌هایی که بعداً گردآوری می‌شوند و نیز محل یافتن آن‌ها تصمیم می‌گیرد، تا نظریه خود را آن طور که خودش ظهور می‌یابد، توسعه دهد. (گلاسر و اشتراوس، ۱۹۶۷: به نقل از قادرزاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۷) بدین منظور، برای شناسایی افراد مصاحبه‌شونده از نظرات صاحب نظران بحث مهدویت استفاده شده است و اطلاع‌رسانان براساس اهداف خاص پژوهش انتخاب شده‌اند و برحسب محتویات مصاحبه‌های اکتشافی با اطلاع‌رسانان، و با روش گلوله برفی، مراجعه به اطلاع‌رسانان دیگری ضرورت یافت. نمونه‌گیری و مصاحبه تا زمانی ادامه پیدا کرد که فرایند تجزیه و تحلیل و اکتشاف به اشباع نظری و تا سرحد نیل به کفایت نظری برسد. معیار قضاوت در مورد زمان متوقف کردن نمونه برداری، کفایت نظری مقوله‌های نظریه است؛ یعنی

1. Glaser
2. Theoretical Sensitivity

نمونه برداری تا زمانی ادامه دارد که نمونه بعدی، مطلب تکمیل کننده‌ای به اجزای تشکیل - دهنده نظریه نیفزاید.

تحلیل داده‌های پژوهش

در نظریه داده بنیاد، روش تحلیل اینگونه است که هر قسمت از داده‌ها، بلافاصله بعد از گردآوری آن قسمت به طور موازی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. سپس، محقق رهنمودهایی را از تحلیل داده‌های اولیه، برای دسترسی به داده‌های بعدی دریافت می‌کند. این رهنمودها می‌توانند از مقوله‌های توسعه نیافته، خلأهای اطلاعاتی و یا افرادی که نسبت به پدیده بصیرت کافی دارند، حاصل شود. پس از کسب این رهنمودها، پژوهشگر برای گردآوری داده‌ها تا زمانی پیش می‌رود که پژوهشگر به اشباع طبقات دست یابد.

اعتباریابی^۱ یا معیار مقبولیت^۲

اعتباریابی مقولات و روابط آن‌ها که در واقع اعتباریابی نظریه است، مهم‌ترین بخش فعالیت پژوهشی در روش نظریه داده بنیاد است. برای تحقق معیار تناسب^۳ یافته‌های پژوهش حاضر از سوی سه نفر از متخصصان حوزه روان‌شناسی تربیتی پالایش و تأیید شده است. برای تحقق معیار منطق^۴ و عمق^۵ مسئله نیز در روند مصاحبه‌ها و تحلیل آن‌ها تلاش شده است جریان مصاحبه از نظم و پیوستگی و توالی مناسبی برخوردار شود و یافته‌های به وجود آمده در طول مصاحبه به طور مبسوط، همراه با جزئیات و با توجه به مشخصه‌ها و ابعاد آن آورده شود. در نهایت، برای تحقق معیار استناد به یادداشت‌ها؛ به دلیل این که پژوهشگر در فرایند تحلیل یافته‌ها نمی‌تواند تمامی مباحث، نظرها، بینش‌ها و گفته‌ها را به خاطر بیاورد، استفاده از یادداشت‌ها ضرورت می‌یابد. در این زمینه، پژوهشگر تلاش کرده است تا در فرایند انجام و تحلیل مصاحبه‌ها به یادداشت‌های مستخرج از داده‌ها استناد کند.

یافته‌ها

بر مبنای فلسفه انتظار روش‌های اصلاح و تغییر رفتارهای فردی و اجتماعی کدامند؟

1. Validating
2. Credibility
3. Fitness
4. Logic
5. Depth

برای پاسخگویی به این سؤال داده‌های کیفی جمع‌آوری شده از طریق تحلیل محتوا براساس روند نظریه داده بنیاد تحلیل شدند. متن‌های استخراج شده پس از جمع‌آوری، با استفاده از روش تحلیل محتوا به صورت سطر به سطر بررسی، مفهوم‌پردازی، مقوله‌بندی و سپس، براساس مشابهت، ارتباط مفهومی و خصوصیات مشترک بین کدهای باز، مفاهیم و مقولات مشخص شدند. در جدول ۱ کدهای اولیه (کدگذاری باز) مفاهیم با تشکیل مقوله‌های محوری و طبقه‌بندی مقوله‌های هسته‌ای و هم‌چنین جدول ۲ مقوله‌های عمده و هسته‌ای به لحاظ شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌ای، پدیده محوری و راه‌بردها و پیامدهای مربوط ارائه شده است.

تحلیل داده‌ها (کدگذاری)

الف) کدگذاری باز: ^۱ در مرحله اولیه کدگذاری باز، هر مفهوم استخراج شده در یک مقوله گنجانده شد. در انتخاب مقوله‌ها، مقوله‌هایی که بیشترین نقش در ساخت معنای مفهوم داشتند مورد توجه بوده‌اند. به همین منظور، مقوله‌هایی انتخاب شدند بیش‌ترین بار معنایی را اشباع کرده‌اند. بنابراین، با بررسی داده‌های اولیه، تعداد ۲۸۲ مفهوم به دست آمد. بر این اساس، انبوه داده‌ها به تعداد مشخص و محدودی از مقوله‌های کلی کاهش یافت که در این مرحله، ۱۱۲ مفهوم و ۱۹ مقوله عمده به دست آمد.

ب) کدگذاری محوری: ^۲ بعد از مشخص شدن مقوله‌های عمده پژوهش، کدگذاری محوری انجام گرفت. در این مرحله، به منظور تعیین نظریه، باید بین مقوله‌های محوری نظم منطقی ایجاد می‌شد. برای همین منظور، بار دیگر کدگذاری‌ها با یک دیگر مقایسه شده و در قالب مقوله‌هایی که باهم تناسب دارند، را با همدیگر ادغام نمودیم که در نهایت ۱۲ مقوله محوری (هسته‌ای) از ۱۹ مقوله عمده به دست آمد که حول یک محور جهت تشکیل یک بافت مستحکم از روابط به وجود آمدند. هریک مقولات دارای ابعاد چندگانه بوده و دارای ماهیتی پیچیده هستند. در این مرحله از کدگذاری، یعنی کدگذاری محوری، با الهام از گلاسر، مقولات محوری (هسته‌ای) احصاء شده به عنوان خانواده فرایندها، که دارای مراحل، گام‌ها و توالی‌های مرتبط با یکدیگر است؛ همانند شکل ۱، در نظر گرفته شدند.

1. Open Coding
2. Axial Coding

جدول ۱. مفاهیم، مقوله‌های محوری (هسته‌ای) استخراج شده به تفکیک تعداد مقوله‌ها و مفاهیم

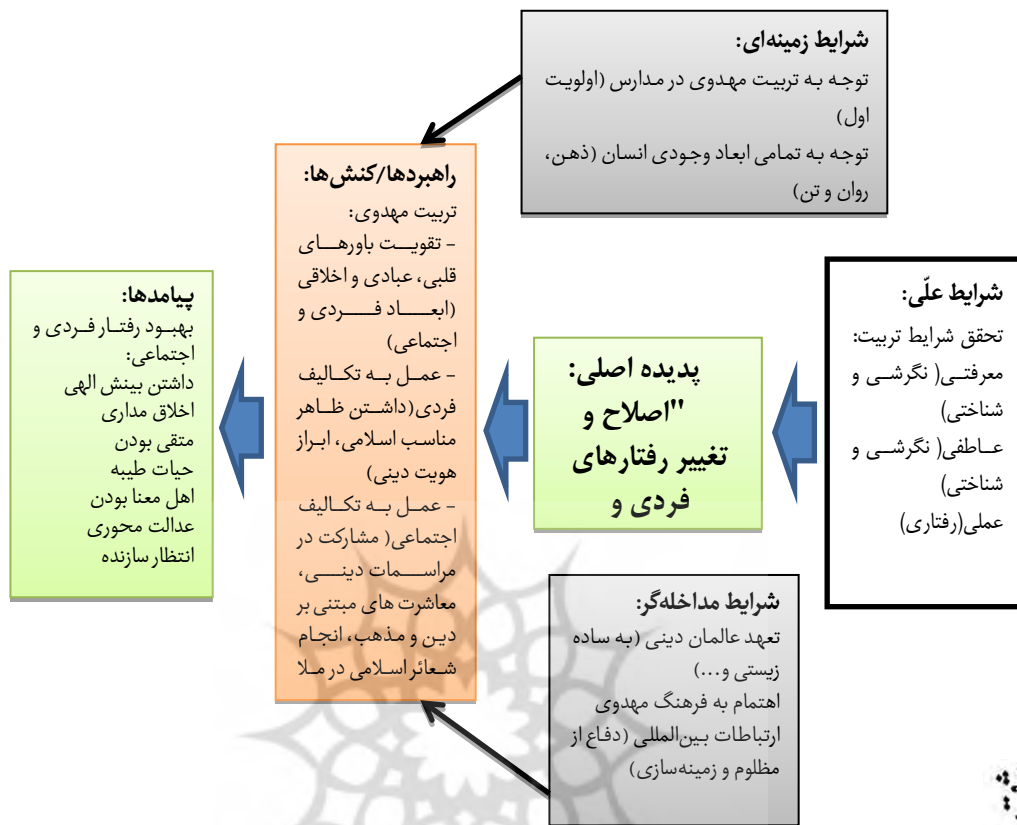
ردیف	مقوله‌های محوری (هسته‌ای)	تعداد مقوله‌های عمده استخراج شده	تعداد مفاهیم استخراج شده
۱	شرایط و زمینه‌های تربیت	۳	۲۳
۲	اصلاح زیرساخت‌های فرهنگی	۴	۴
۳	توجه به تربیت مهدوی در مدارس (اولویت اول)	۱	۷
۴	توجه به تمامی ابعاد وجودی انسان (ذهن، روان و تن)	۳	۶
۵	تربیت نیروی انسانی شایسته (در زمینه مهدویت)	۱	۶
۶	تعهد عالمان دینی (به ساده زیستی و...)	۱	۸
۷	اهتمام به فرهنگ مهدوی	۱	۷
۸	ارتباطات بین‌المللی (دفاع از مظلوم و زمینه‌سازی)	۱	۷
۹	بهبود رفتار فردی و اجتماعی	۱	۷
۱۰	تقویت باورهای اساسی (قلبی، عبادی و اخلاقی)	۱	۳
۱۱	عمل به تکالیف فردی	۱	۱۸
۱۲	عمل به تکالیف اجتماعی	۱	۱۶
جمع کل		۱۹	۱۱۲

جدول ۲. طبقه بندی نهایی مقوله های عمده (بازسازی شده) به تفکیک سه بُعد شریعی، تعاملی/فرایندی و پیامدی

ردیف	مقوله های عمده	مقوله های محوری	نوع مقوله
۱	معرفتی (شناخت و باور به منطق ظهور مهدی <small>عجل الله تعالی فرجه الیک</small> ، فهم منجی عالم بشریت، و توکل بر خدا و باور به وعده او، انتظار فرج، باور اعتقادی، کسب معرفت) عاطفی (عشق و علاقه به ائمه اطهار <small>علیهم السلام</small> ، دعا برای سلامتی امام، دعای عهد، یاد امام در همه حال، پیوند قلبی با امام، سرمستی و افتخار به امامت، تسلیم محض در برابر امام، اظهار دوستی و محبت آن حضرت) عملی (ارتباط با فقها، دعا برای ظهور، پیروی از ولایت فقیه؛ نایب امام زمان، ترک محرّمات، عمل به حسنات، ترک رذایل اخلاقی و عمل به فضائل اخلاقی، خدمت به خلق خدا)	معرفتی (نگرشی و شناختی)؛ عاطفی (نگرشی و شناختی)؛ عملی (رفتاری)	شرایط علی
۲	باور به ارزش های مشترک در زمینه مهدویت در بین سازمان ها، رسالت ها و مأموریت های مشترک سازمان ها، توافق بر اصل انتظار در بین سازمان های فرهنگی، توجه به فرهنگ های قومی در کشور	اصلاح زیرساخت - های فرهنگی	شرایط زمینه ای
۳	اساس بودن تربیت مهدوی در مدارس، اهتمام جدی در تربیت معلمان مهدی باور، زمینه سازی فضای فرهنگی مطلوب انتظار در مدارس، توجه به برنامه درسی انتظار، توجه به برنامه درسی پنهان، نقش مدارس به عنوان محور تمامی تحول ها از جمله تربیت زمینه ساز، باور مسئولین به مدرسه	توجه به تربیت مهدوی در مدارس (اولویت اول)	شرایط زمینه ای
۴	نگاه کل نگر به انسان برای اصلاح و تغییر آن، دیدن انسان با روح و ذهن الهی، نگاه به جسم با روان سالم، دیدن ظاهر و باطن باهم، توجه به ابعاد روحانی انسان در کنار ابعاد جسمانی، آموزش توأم با عطف و تکریم، توجه به دل و قلب انسان	توجه به تمامی ابعاد وجودی انسان (ذهن، روان و تن)	شرایط زمینه ای
۵	تربیت نیروی انسانی با تعهد فردی، تعهد اجتماعی نیروی انسانی، مسئولیت پذیری در فرد، مهدی باور بودن، نگاه رو به جلو با فلسفه انتظار، انتخاب و انتصاب مدرسان معارف مهدوی از شایسته ترین افراد	تربیت نیروی انسانی شایسته (در زمینه مهدویت)	شرایط زمینه ای
۶	ساده زیستی عالمان دینی، اهل مناجات و راز و نیاز، پارسایی، خداشناس واقعی، پرهیز از تجملات، پرهیز از تکبر، عامل به انتظار، دوری از احساسات افراطی در زمینه مهدویت	تعهد عالمان دینی (به ساده زیستی و...)	شرایط مداخله ای
۷	باور ایمانی در جامعه، نگاه ارزشی به مسئله مهدویت، اخلاص در عمل، نیت عمل، نگاه فرهنگی باور به منجی، تقویت انتظار یک فرهنگ است، عمل به زمینه سازی فرهنگی انتظار	اهتمام به فرهنگ مهدوی	شرایط مداخله ای

ردیف	مقوله‌های عمده	مقوله‌های محوری	نوع مقوله
۸	دفاع و دستگیری از مظلومان عالم، مجاهدت در برابر دشمنان دین و اسلام، فراهم سازی زمینه ارتباطات بین‌المللی در جهت شناساندن فرهنگ مهدویت، رساندن صدای اسلام از طریق رسانه‌ها به جهان، زمینه‌سازی جهانی انتظار، دادن امید به جهانیان این‌که ظلم پایدار نیست، شناساندن مهدی باوری در ارتباطات بین‌المللی	ارتباطات بین‌المللی (دفاع از مظلوم و زمینه‌سازی)	شرایط مداخله‌ای
۹	داشتن بینش الهی، اخلاق‌مداری، متقی بودن، حیات طیبه، اهل معنا بودن، عدالت‌محوری، انتظار سازنده	بهبود رفتار فردی و اجتماعی	پیامدها
۱۰	فراهم نمودن باورهای قلبی، عبادی و اخلاقی (ابعاد فردی و اجتماعی)	تقویت باورهای اساسی	راهنم‌ها
۱۱	داشتن ظاهر مناسب اسلامی، ابراز هویت دینی، توبه و استغفار از گناه، تهذیب نفس، بصیرت در دین، داشتن اعتدال، صبر بر سختی‌ها، انجام واجبات دینی، اعمال نیکوکارانه، پرهیز از اسراف، دائم‌الوضع بودن، مراقبه، محاسبه و مؤاخذه، خودسازی فردی، امید به اصلاح، رزق حلال، تاب‌آوری و مقاوم در برابر سختی‌ها	عمل به تکالیف فردی	راهنم‌ها
۱۲	مشارکت در مراسمات دینی، معاشرت‌های مبتنی بر دین و مذهب، انجام شعائر اسلامی در ملاعام، اهتمام در تربیت اجتماعی فرزندان، یاری مظلومان، حل مشکلات مردم، امر به معروف و نهی از منکر، سعی در اصلاح جامعه، اهل تولی و تبری، مراعات حقوق دیگران، صله ارحام، احسان به مردم، انفاق، توجه ویژه به یتیمان، مشارکت در امور مذهبی، پرداخت خمس و زکات	عمل به تکالیف اجتماعی	راهنم‌ها

همان‌طور که در جدول ۲ مشخص است، تمام مقوله‌های محوری (هسته‌ای) در قالب مقوله‌های شرایطی، تعاملی/فرایندی و پیامدی طبقه‌بندی شده‌اند.



شکل ۱. الگوی پارادایمی اصلاح و تغییر رفتارهای فردی و اجتماعی بر مبنای فلسفه انتظار

نتیجه‌گیری

در جهت تحقق اهداف این پژوهش، که بر مبنای نظریه داده بنیاد انجام شد اصلاح و تغییر رفتارهای فردی و اجتماعی به عنوان پدیده اصلی (مطابق شکل ۱) در قالب یک الگوی منطقی و با تکیه بر فهم آن با شرایط (علی، واسطه‌ای و زمینه‌ای)، تعاملات/کنش‌ها و پیامدها مشخص گردید. یعنی، به این امر توجه شد که اصلاح و تغییر رفتارهای فردی و اجتماعی چگونه پدیده‌ای است و از چه عواملی تأثیر می‌پذیرد؟ تحت چه راهبردهایی؟ و پیامدهای این تعاملات کدام‌اند؟

بنابر پیشینه این پژوهش باید گفت رفتار متناسب با اعتقاد به تعبیری که خواست و اراده خداوند علت تامه آن است، منتهی خواهد شد. البته این نکته به خوبی روشن است که مقصود ما از رفتار متناسب این است که تغییر اجتماعی، اعتقاد و رفتار اجتماعی متناسب را طلب می‌کند و تغییر فردی نیز اعتقاد و رفتار متناسب فردی را اقتضا دارد. (سبحانی‌نیا، ۱۳۸۸: ۲۵)

بنابراین، این که بر مبنای فلسفه انتظار ما به دنبال روش‌های اصلاح و تغییر رفتارهای فردی و اجتماعی در این پژوهش بوده‌ایم این را می‌رساند که هنوز مشکلات و مسائل زیادی در رفتار انسانی به شکل مطلوب در جامعه اسلامی داریم. در واکاوی این پدیده که در این جا حاصل تعاملات و عوامل مختلفی بوده است باید گفت پیامد آن بهبود رفتار فردی و اجتماعی در سایه تربیت مهدوی ذکر شده است. برای رسیدن به اهداف فلسفه انتظار همان طور که در مدل ترسیمی قابل مشاهده است، این پدیده از شرایط (علی، واسطه‌ای و زمینه‌ای)، تعاملات/کنش‌ها و پیامدها نشأت گرفته است که در ذیل جهت تبیین یافته‌ها به هریک از انتزاعات نظریه فوق پاسخ خواهیم داد:

شرایط علی

شرایط علی آن‌هایی هستند که به طور مستقیم به مقوله کانونی اصلاح و تغییر رفتارهای فردی و اجتماعی می‌انجامد و منشأ آن نظام‌های آموزشی در میان عوامل مدرسه/دانشگاه، خانواده، اجتماع است. یعنی نظام‌های آموزشی با محقق ساختن شرایط معرفتی و عاطفی در بستر نگرش و شناخت از فلسفه انتظار و عمل در سایه رفتار متعهدانه می‌توانند زمینه ظهور اصلاح و تغییر رفتار را فراهم سازند. این یافته با نتایج مطالعات موسوی گیلانی (۱۳۹۲) و موسوی (۱۳۹۶) همسو می‌باشد. بنابراین، کدهای مفهومی مستخرج از متون دینی نیز حاکی از این هم‌سوایی بوده است.

شرایط زمینه‌ای

موجبات علی پدیده فوق نه در خلأ، بلکه در شرایط خاص محیطی (بسترها) شکل می‌گیرند و در نتیجه، توضیح فرایند اصلاح و تغییر رفتارهای فردی و اجتماعی در سایه ایجاد بستر توجه به تربیت مهدوی در مدارس (اولویت اول)؛ توجه به تمامی ابعاد وجودی انسان (ذهن، روان و تن)؛ اصلاح زیرساخت‌های فرهنگی جامعه (با رویکرد انتظار) و تربیت نیروی انسانی شایسته (در زمینه مهدویت) معنا پیدا می‌کند. این یافته با نتایج مطالعات سیدکلان و رضائی شریف (۱۳۹۵)، جعفرزاده کوچکی و امامی غفاری (۱۳۹۴) و سبحانی نیا (۱۳۸۸) هم‌سو بوده است. چرا که، اصلاح و تغییر رفتار را با ایجاد یا فراهم‌سازی شرایط و زمینه لازم است که می‌توان تحقق بخشید. با وجود این مدرسه از اولویت اول در فراهم نمودن زمینه اصلاح و تغییر رفتار از دید بسیاری از متخصصان تعلیم و تربیت دیده شده است.

شرایط مداخله‌گر

علاوه بر شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر نیز شرایطی هستند که بر چگونگی کنش متقابل

و راهبردهای پیشنهادی اثر می‌گذارند. براساس مقوله‌های استخراج شده و تحلیل آن‌ها شرایط مداخله‌گر در این پژوهش شامل تعهد عالمان دینی (به ساده‌زیستی و...)، اهتمام به فرهنگ مهدوی و ارتباطات بین‌المللی (دفاع از مظلوم و زمینه‌سازی) می‌باشد. چنان‌چه، این مقوله‌ها از کیفیت لازم برخوردار نباشد راه‌بردها و کنش‌های پیشنهادی را با مشکل مواجه خواهد نمود؛ چرا که اهتمام به فرهنگ مهدویت در بین آحاد ملت در سایه تعهد عالمان دینی که خود مصدر توجه در جامعه اسلامی قرار دارند به عنوان پیش‌برندگان اصلی در فلسفه انتظار تأثیرگذار هستند. با این اوصاف ارتباطات بین‌المللی نیز در این زمینه بسیار مؤثر واقع خواهد شد.

عاملیت و کنش‌ها (راهبردها)

همان‌طور که در شکل ۱ ملاحظه می‌شود، از نظر مصاحبه‌شوندگان هر چند پدیده اصلاح و تغییر رفتارهای فردی و اجتماعی در جامعه اسلامی ناشی از موجبات علی و تحت‌تأثیر شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر است، ولی در این اثنا نقش عاملیت انسانی و کنش‌گران را نباید نادیده گرفت. آن‌ها با مداخلات و راهبردهای خود می‌توانند این فرایند را تسهیل کنند. در مطالعه حاضر راهبردهایی در جهت تربیت مهدوی هم‌چون تقویت باورهای قلبی، عبادی و اخلاقی (ابعاد فردی و اجتماعی)، عمل به تکالیف فردی و اجتماعی انسان مهم و اساسی دانسته شده است. در اثنای این راهبردها، باید گفت که دیدن این راه‌بردها در بلندمدت بر شکل‌گیری و قوام تربیت صحیح مهدوی منجر خواهد شد.

پیامدها و نتایج

اعمال (کنش‌ها) و عکس‌العمل‌ها (واکنش‌ها) که در مقابله یا جهت‌آوردی و کنترل پدیده صورت می‌گیرد، پیامدهایی را در پی خواهد داشت. مطابق شکل ۱، پیامدها در راستای تحقق اصلاح و تغییر رفتار بر مبنای فلسفه انتظار به داشتن بینش الهی، اخلاق‌مداری، متقی بودن، حیات طیبه، اهل معنا بودن، عدالت محوری و در نهایت به انتظار سازنده خواهد انجامید. نتیجه این پژوهش با نتایج پژوهش‌های قبلی از جمله؛ مطالعات موسوی (۱۳۹۶)، جعفرزاده کوچکی و امامی غفاری (۱۳۹۴)، داوری و همکاران (۱۳۹۳)، موسوی گیلانی (۱۳۹۲)، ابراهیمی دهشیری (۱۳۹۰)، سبحانی‌نیا (۱۳۸۸)، هم‌خوانی دارد و باید گفت که نتیجه حرکت در جهت اصلاح و تغییر رفتارهای فردی و اجتماعی آن‌هم در فراهم نمودن زمینه ظهور می‌تواند به نتایج مطلوب الهی که همان تغییر است منجر شود.

منابع

قرآن کریم

- ابراهیمی دهشیری، محمدحسن، اصول تغییر و اصلاح رفتار در سیره معصومان علیهم السلام، معرفت، ۲۰ (۱۶۰)، ۱۳۹۰.
- احدی، معصومه، روش‌های تغییر و اصلاح رفتار در قرآن و سنت با رویکرد تطبیقی به دانش روان‌شناسی رایج، استاد راهنما: سرکار خانم بتول عزیزی، پایان‌نامه سطح دو، مدرسه علمیه حضرت رقیه علیها السلام، ۱۳۹۰.
- اولسون، متیو و هرگنهان، بی.آر، مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری، ترجمه علی اکبر سیف، تهران: نشر دوران، ۱۳۹۶.
- جعفرزاده کوچکی، علی‌رضا؛ امامی غفاری، عبدالحمید، «قلب‌های هدایت‌پذیر و هدایت‌ناپذیر از دیدگاه قرآن (با تأکید بر نقش مدیران در هدایت و اصلاح رفتار کارکنان در سازمان‌ها)»، فصل‌نامه مدیریت اسلامی، سال بیست و سوم، ش ۱، ۱۳۹۴.
- داوری، محمد؛ صدیق تورعی، غلام‌رضا؛ عبدخدایی، محمدسعید، مکانیزم‌های نظارت خداوند بر رفتار انسان و اثر آن بر تنظیم رفتار اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم، دوفصل‌نامه مطالعات اسلام و روان‌شناسی، سال ۸، ش ۱۴، ۱۳۹۳.
- ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۹ ش.
- سبحانی‌نیا، محمدتقی، نظریه تغییر و تأثیر آن در زمینه‌سازی ظهور، فصل‌نامه علمی-پژوهشی مشرق موعود، سال سوم، ش ۱۱، ۱۳۸۸.
- سیدکلان، سیدمحمد و رضائی شریف، اثربخشی آموزش سبک زندگی مبتنی بر مهدویت در به‌زیستی روان‌شناختی و معنوی دانش‌آموزان، فصل‌نامه علمی-پژوهشی مشرق موعود، سال ۱۰، ش ۴۰، ۱۳۹۵.
- شجاعی، محمدصادق، درآمدی بر روان‌شناسی تنظیم رفتار از دیدگاه اسلامی، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۸.
- صدر، محمد، تاریخ غیبت کبری، ترجمه: حسن افتخارزاده، تهران: انتشارات نیک معارف، ۱۳۸۲.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله، آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۸.
- صمدی، معصومه، مهدویت، رسالت نظام تعلیم و تربیت در شکل‌دهی جامعه مهدوی،

مجله علوم انسانی مصباح، ش ۶۶، ۱۳۸۵.

- قادزاده، امید؛ محمدی، فردین؛ محمدی، حسین، جوانان و روابط پیش از ازدواج، مطالعه کیفی زمینه‌ها، تعاملات و پیامدهای آن، فصل‌نامه راهبرد فرهنگ، دوره ۱۰، شماره ۳۸، ۱۳۹۶.
- کاوند، علیرضا؛ حاج کاظمی، زهرا، موانع رویکرد تربیت اجتماعی در حوزه رفتار در بستر تحقق سلامت جامعه از منظر قرآن کریم، دوفصل‌نامه تخصصی پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم، سال هفتم، ش ۱، ۱۳۹۵.
- گلستانی، سیدهاشم؛ کشتی آرای، نرگس؛ کاظمی، سمیه، تبیین و نقد تطبیقی قرابت‌ها و پارادوکس‌های بین آموزه‌های تربیتی ایمانوئل کانت و اسلام، پژوهش‌های اخلاقی، ش ۳۰، ۱۳۹۶.
- موسوی گیلانی، سیدرضی، چیستی و چرایی سبک زندگی و نسبت آن با دین و مهدویت، فصل‌نامه علمی-پژوهشی مشرق موعود، سال هفتم، شماره ۲۵، بهار، ۱۳۹۲.
- میلتن برگر، ریموند، شیوه‌های تغییر رفتار، ترجمه: علی فتحی آشتیانی و هادی عظیمی آشتیانی، تهران: انتشارات سمت، پانزدهم، ۱۳۹۳.
- سایت پرسمان دانشجویی اخلاق و عرفان، زیر نظر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه، <http://akhlagh.porsemani.ir/node/430>.
- سایت حوزه، مهدویت و انتظار در اندیشه شهید مطهری، مجله موعود، تیر ۱۳۸۴، شماره ۵۴، قابل دسترس در: <https://hawzah.net/fa/Magazine/View/4227/5707/56568>
- Brown, E. M., Smith, D. M., Epton, T., & Armitage, C. J. (2017). Do Self-Incentives Change Behavior? A Systematic Review and Meta-Analysis. Behavior Therapy.
- Charmaz, K. (2007). Reconstructing Grounded Theory. In L. Bickman, P. Alasuutari, & J. Brannen (Eds.). Handbook of Social Research (pp. 461-478). London: Sage.
- Glaser, Barney G. (1978). Theoretical Sensitivity: Advances in the Methodology of Grounded Theory. Mill Valley, Ca.: Sociology Press.
- Hersen, M., Eisler, R. M., & Miller, P. M. (Eds.). (2016). Progress in behavior modification (Vol. 7). Academic Press.
- Martin, G., & Pear, J. J. (2015). Behavior modification: What it is and how to do it. Psychology Press
- Masterman, M. (1970). The Nature of a Paradigm. In I. Lakatos & A. Musgrave (Eds.), Criticism and the Growth of Knowledge: Proceedings of the International Colloquium in the Philosophy of Science, London, 1965 (pp. 59-90). Cambridge: Cambridge University Press. doi:10.1017/CBO9781139171434.008.

